



روز شنبه بیست و دوم شهر ذی قعدة الحرام موکب فرخنده گوکب اقدس ساجسی خلدانه عکله و دو در ظاهر شامبر و واقف است  
 روز چهارشنبه بیست و نهم تشریف نامی ده ملاگردید راه در جلگه صاف از شمال جنوب چهار فرسخت دیگر تفریحی شامبر و در طرف  
 چپ راه قدری دراز جاده آثار بقعه خراب است معروف بقعه شیخ عماد الدین و بقیه بعضی از آبنسینه حوالی آن دیده میشود نیز در همین  
 در امتداد راه دور از جاده قلعه علی اکبر خان قزاقی ریان و کلاته خان ابراهیم آباد بنظر می رسد فریده خاک فرسوب بجای می رسد  
 در کمال بادی و شبیه شبیه می باشد در بطول شاه عباسی اردو که مرحوم محمد ناصر خان میرالدوله مرمت کرده است ارتفاع آن از سطح صاف در  
 روز پنجشنبه بیست و چهارم موکب محلی تشریف نامی منزل همان دست کرد راه از مشرق مغرب چهار فرسخت در جلگه بنوار در مزارع خداد  
 قریب است صل به ملا خاک بطام با نهار رسیده و محل خاک منجان می شود در طرف یار در امتداد راه قزاقی قلعه یاقین مراد آباد و خداد و کلاته  
 و حوض آباد و قاد آباد و نیم آباد و دولا ب زین آباد و حسین آباد دیده میشود همان دست قریب است باد و در حوالی آن دیکه امام آباد است  
 نزدیک این دیکه برصیت شبیه میل را دکان که دور دایره آن از خارج سی و چهار فرسخت و آنچهار ارتفاع آن باقی مانده چنانچه در این باب است  
 مسافت کتیبه خط کوئی که در بالای آن دور بنظر می رسد محل ملاحظه می باشد ارتفاع همان دست از سطح صاف در بیست و پنج فرسخت  
 روز جمعه بیست و پنجم خارج منجان تبرول جلال موکب جلیون نرین کرد راه از مشرق مغرب در جلگه صاف پنج فرسخت در منجان از بلاد  
 قدیمه و دارای بنسبت معتبره و شهر بنیاد است که از جلگه بقعه امیراد جعفر بن علی بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن حسین است  
 در اسلام است و در کراچین جلیون با اسامی مزارع و قزاقی منجان در محل خود نگاشته خواهد ارتفاع منجان از سطح صاف تقریباً صد و چهار فرسخت  
 روز شنبه بیست و ششم در خارج ده منجان تراق شد

روز یکشنبه بیست و نهم از ده منجان تراس فرموده تشریف فرمای امیر آباد کردید راه از مشرق مغرب نایل جنوب در جلگه صاف در  
 حاجی آباد و رضی آباد و عرض آباد و علی آباد و شیرشیران و بخش آباد و دولت آباد و حاجی آباد و سید آباد قریب است که در امتداد راه  
 در طرف

دست چپ و قطع میرآباد را مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار عظیم ساخته و بناغ و عمارتی بنا نموده این قریه آباد و دارای چند باب دکان  
و بچال حمام و مسجد و غیره میباشد ارتفاع آب را مثل دغان است

روز دوشنبه بیت و ششم موکب سالیون شریف فرمائی که کرید راه از شرق مغرب در جلگه و کمر از دو فرسخ است قوشه قریه و آبادانی  
ندارد فقط کاروانسرای شاه عباسی در اینجا نزلگاه زوار و اولین آفریه سردان در طرف مشرق قوشه و فرمائی در دور و در صبح در  
مغرب آن است ارتفاع قوشه از مشهد مقدس و بیت فرسخ است

روز سه شنبه بیت و نهم آهوان نزلگاه موکب معلی بود راه شش فرسخ و از شرق مغرب یل جنوب بیست و دو فرسخ با آهوان نازده  
در میان کوههای پست میافتد در غیر فرسخی آهوان رضی آباد است و آن عبارت از طولی و دکانی است که چشمه آبی در پهلوئی آنست در آن  
کاروانسرای از ابنیه بسیار قدیمه دیده میشود معروف بر باط انوشیروانی که از شکست کج و آجر بنا کرده و بنا آنکه خراب و غیر  
مسکونت زیاده از حدشایان است مسامت کاروانسرای آبادی نیز در آهوان است که در عهد شاه سلیمان صفوی ساخته شد آهوان دکنه  
و آبادی ندارد ارتفاع آهوان از مشهد مقدس بقصد و بخواه فرسخ است

روز چهارشنبه سنج شهر و بقعه الحرام ظاهر شهر سمنان مضرب خایم کردن ختام خسروانی کرید راه بهفت فرسخ و از شرق مغرب  
ایل جنوبی تا سه فرسخ در میان طال و داد و سدر بالا پس از آن گردن مختصری قطع شده راه سرازیر و در جلگه صاف بموآب میباشد  
در دو فرسخ و نیمی آهوان قاتی تازه احداث کرده و زراعت کمی دیده میشود و اینجا راجا حاشت خواران میگویند سمنان شهری آباد و با دارایی  
معتبره قدیمه و جدیده است که از جمله مسجد خاقان صمد است سمنان منقور فحلی شاه طاب میباشد که در هزار و پست و چهل دو چهل و سه بنا شده  
فی آنجمله بناهای عالی و باروح نظیر آن کمتر در بلاد دیده مسجد جامع سمنان که از ابنیه عهد میرزا شاهنج کورکانی است محل ملاحظه  
و شرح جمله در محل خود نگاشته خواهد ارتفاع سمنان از مشهد مقدس یکصد و شصت فرسخ است

روز پنجشنبه غره شهر و بچه الحرام در سمنان قامت فرمودند

روز جمعه دویم موکب مسجد شاهنشاهی غرضه شریف فرمائی که لا سکر و کرید راه شش فرسخ و از شرق مغرب از شهر سمنان خارج  
بلافاصله قریه کوشمان است که در اصل کوشک سمنان بوده در غیر فرسخی سمنان طرف دست راست راه قریه نومن آباد از غیر فرسخی دیده  
و بقعه معتبری از غیر است فرب بدویش علی در سه فرسخی سمنان دکنه است که در واقع قصبه آبادی میباشد و بقعه خانوار سکنه است  
در طرف جنوب سمرقند بقاصه کفر فرسخ قریه صوفی آباد است و بهر شیخ علارالدوله سمنانی قدس سره که از شاه سیر حکما و عرفا در آن قریه میباشد

در یکدانی لاسکر در طرف دست راست دیکه دیشه و راست عمده آبادی لاسکر یعنی خانه رعایا و قلعه مستدیریت در حوالی قلعه تریبختی بنا کرده اند لاسکر و باغات زیاد و انار ممتاز دارد و باطنی از عهد صفویه نیز در لاسکر است ارتفاع لاسکر از مشهد مقدس بیست و هفت روز و شنبه نیم از لاسکر و شریف فرمای ده تک گردید راه هفت فرسخ و ابتدا از شمال جنوب و بعد از آن کم کم بطرف مغرب میل میکرد در یکدانی لاسکر طرف دست چپ در راه از راه نزر بخش آباد است قدریکه پیشتر فرستند نزر کوچکی است آب کمی در آن جاریست و آن با یک آب است بعد از آن مجرای آبیست عین و کم عرض که آب قلیلی در تک آن جاریست و سه جابر روی این مجرای آب بسته اند و آن بها معروف بیل کرپی میباشد در فرسخی لاسکر و قلعه عبد آباد است که چند خانواری در آن ساکنند و هفت فرسخه مذوری دارد از کله و قلعه برخی خارج کنی و از کاروانسرای شاه عباسی نیز در ده تک است و هفتاد و بیست فرسخ است تر از مشهد مقدس است روز یکشنبه چهارم حوالی پاده و آرادان و علی آباد خوار مضرب خایم کردند و هشام جاپوئی گردید راه سه فرسخ و در جلگه بود و شرح این در ضمن خبرانی خوار بیاید ارتفاع مثل دیروز است

روز دوشنبه پنجم شریف فرمای حوالی قشلاق حسین آباد که نیز از فرای حوار است گردیدند راه امروز قدری از دیروز بیشتر بود قشلاق صد فرسخ از مشهد مقدس است تر است

روز سه شنبه ششم موکب مسعود خسروانی در ایوان کیف (ایوانک) (ایوان کی) نزول اجمالی فرمود راه پنجم فرسخ و از شرق بمغرب است ایوان کیف قریب یا تصدیت آباد و دارای بعضی دکالین و سکنه زیاد و در حوالی آن آثار خراب بسیار دیده میشود و باط شاه عباسی نیز در حوالی آبادی است در این روز نواب و انانایب لطفه امیر کبیر وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه و غیره که با استقبال موکب مسعود خسروانه آمده بودند بمقتل رکاب اعلیٰ منقح گشته مورد عواطف مخصوصه عنایات خاصه پناهی گردیده حسب الامر اقدس معاودت بشهر نمودند ارتفاع ایوان کیف از مشهد مقدس صد فرسخ است

روز چهارشنبه هفتم موکب اعلیٰ شریف فرمای حواتون آباد گردیدند راه هفت و جلگه صاف و از مشرق بمغرب است چهار فرسخ و نیم که از ایوان کیف طی مسافت نمودند بشریف آباد میرسند و در عبور و مرور از این راه بعضی قوافل در شریف آباد منزل مینمایند در حواتون آباد جناب حجه الاسلام آقای حاجی قلاعلی سلطانه تعالی را باطنی بسیار متبر و ممتاز برای قوافل فرود بنا کرده اند حواتون آبادی فرسخ از مشهد مقدس است تر است

روز پنجشنبه هشتم که سفر سعادت از خراسان ارض اقدس بمنبت و فرخندگی خستام می یافت وقت صبح موکب مسعود و محضرت شاه

صاحب حسن خلدانه ملك و سلطانة باميان قبال از خاتون باد بقصد ورود بدار بخشلافه و مصلحت عظمی آنها فرستاده نمود درین راه  
نواب والا نایب الطشه امیر کبیر وزیر جنگ و حکمران دار بخشلافه با بره و غیره با بعضی از روسای نظام و دستجات سوار چون قطب  
بندیرانی موکب جایون و قسبل رکاب اعلی مستعد گشتند و خایات بلانهایات شانانه همه را شامل کردید بعد از صرف نهار در کوه  
دولاب بندکان علیحضرت پادشاهی دام ملكه بترفات سکار آبا و شریف فرما کردید پس از نوحه استراحت از آنجا حرکت فرمود  
از راه خیابان دوشان تپه شهر دار بخشلافه با بره را بمقدم بجهت شیم خسروانی فرین فرستاده نمود اداره وزارت جليلة جنگ  
تعطیلات موکب منصور شاهنشاهی ایزدانه تعالی بنصره را از هر چه مرعی و منظور داشته اغلب از توپهای جدید اختراع  
کار کارخانه دار بخشلافه و غیره در هنگام ورود موکب مسعود از سان نظر معدلت اثر جایون گذشت و نظم و ترتیبات آن  
پسند خاطر همه آثار مبارک گردیده از مساعی اجدان مخصوص که توپخانه مبارک سپرده بایشان است فرزند گشته بندل  
عاطفت لوکانه اورا سر فرستاده گشتند افواج پیاده که از ابتدای خیابان مسرتیه تا در میدان باغ یعنی توپخانه  
قدیم در دو طرف صف کشیده بودند شمول تفقدات پادشاهی گردیدند درین نظمیه و حسابیه شهر دار بخشلافه نیز خیابان لاله زار  
معبور راه موکب جایون بطاقهای نصرت و برقیهای لوان و شانهای شیر و خورشید و صنایف گل و سبزه آراسته  
و طوری فرین کرده بود که مورد تحسین طرف توجه کامل گردیده خاطر خطیر مبارک را مسرور نمود

تا ورود بندکان علیحضرت شاهنشاهی غرضه بجمارت و دیوانخانه تحت مراد توپخانه مبارک که شلیک میشد پس از ورود مسعود  
ذات اقدس اعلی در تالار تحت مراد بر سر محراب میر معنی جلوس فرموده سلام عام در پیشگاه حضور معدلت ظهور خسروانی  
منفرد گردید بار یافتگان آستان مقدس از وزرای عظام و شانزادگان فحام و روسای نظام و دوجه خدام با اقام  
در بار سپهر اقدار شاهنشاهی بشمول توجهات و تفقدات لوکانه مستطهر و مبارکی گشتند و سکر سلامت وجود مسعود جایون  
با تبریک قدوم بجهت لزوم مبارک انباز داشتند

شب این ذر که شب جمعه نهم بود بشرف مقدم فرخنده شیم جایون عالی دار بخشلافه اسواق معابر متبره شهر را منصفلا چراغان  
نمودند و پیش و شادمانی گذرانیدند

از خاتون باد تا شهر دار بخشلافه پنجره است

در روز پنجشنبه

صنیع الدوله وزیر انطباعات